

# فیلم سیاسی

## در دوران معاصر، فیلمسازی سیاسی به چه معناست؟



سنت (دنیامین)

هنر سیاسی معاصر می‌کوشد با جاست و جوی این سوززه هیاهوکنگ باشد نه پاسوزه مسطورهای تحولات تاریخی گذشته. درست همانند میله قرن نوزدهم، پل دیگر برای بیان این سوززه به چه می‌ماند تحت فشار قرار داریم. با این همه، امروزه ما باید ژو فاناری به آن پاسخ قدیمی سخن بگوییم. این امر به این معنا نیست که فیلسازان، روشنفکران و هنرمندان شخصا باید به جریان ضد کاپیتالیستی موجود باور داشته باشند بلکه آنها باید به فضای سوززکتیو (فضایی که این جریان را برانگیخت) ایمن داشته باشند.

در این فضا است که می‌توان تحقیق کرد. فیلمسازی به نحوی سیاسی به معنای تلافی در جهت توصیف انضمامی واقعیت در بسط تحولی اش، به شیوه‌های تاریخی است. هنرمند و فیلساز باید خود را در فرایند پروتازین شدن، کشف کنند. نو باید با هم راه شدن یا نودها به نحای مختلف خلاقیت. بدل به هنرمند پروتازین یا شود. فضا در اینجا همان پرسش کماکان باقی است: پرسشی که مربوط به موضوع سیاسی هنرمند است. شما (هنرمند) حلی چه کسی هستید؟

### وضعیت سوززه سخنگو

تفاوت عمده میان هنر سینما و زورهای هم‌اجتماعی این است که هنرمند نمی‌تواند مسامله‌ها را بر این امر صعه بگذرد که نو سخن و صدایی را به دیگری منتقل می‌کند بلکه این فیلساز است که همواره سخن می‌گوید. بنابراین، انحراف واقعیت به واسطه زورهای ناشن مسامله فرایند تولید فیلم توسط دست‌اندرکاران، او نهادهای هنرتمندی که در پشت پرده تولید و توزیع فیلم هستند نسبت به سازو کار هوری فیلم، امری مغایر و بیرونی نبوده بلکه بخشی مهمی از ساختار آن و روشی برای تولید فیلم است. فیلم حقیقتا سیاسی (فیلسوفی) که جنبه سیاسی به خود می‌گیرد (فیلسوفی) نیست. بلکه فیلمی است که استیاز و برتری سوززه سخنگو را از طریق بر ملا کردن لایه و الزامات اجتماعی و طبقاتی آن به پرش می‌کند.

### ماهیت جمعی فیلمسازی

فیلمسازی همواره تلاشی گروهی بوده است. البته این امر ممکن است تحت تاثیر فردیت کارگردان قرار بگیرد کسی که به پیام نویسنده یا تناسب بخشیدن نیروهای خلاق حرفه‌ای و آماتور صورت می‌بخشد. با وجود این، ساخت یک فیلم می‌تواند الگویی باشد برای آشکارگی تمام عیار کل نیروهای خلاقانه جمعی، نیروهای سیاسی که در هر یک از افراد در مقام خالق گردنی جمعی در کار می‌آید. فرایند فیلمسازی به نحوی سیاسی «باید گروه یا اجتماع هنری خاص به خودش را بر سازنده پنداری برای تصمیم‌سازی جمعی نشان بدهد به اظهارات زبانی شناسنامه‌مشرو و جیت بخشد.

این عمل قابل قیاس است با کار کسانی که با ساختارهای مربوط به خود گردنی سیاسی ایالت‌های یک کشور مواجه هستند. کسانی که

باید به واسطه بر هم نهادن ایده‌ها و با احتیاط نوعی هم‌گرایی مشارکتی، تصمیم‌هایی انضمامی اتخاذ کنند (در جریان ساخت یک فیلم نیز ممکن است وظایف‌های خاص به گروه کارگردانی یا فیلم‌برداری واگذار شوند) این واگذاری ناشی از مذاکرات گسترده جمعی و برآمده از وضعیت مشترک است.

### واقع گرای

سینما و ویدئو، ظهورات جریان واقع‌گرا در تاریخ هنر هستند. تکنولوژی‌های نوین و فضای جدید رسانه‌های ثابت و مستندسازی واقع‌گرایانه، مستندسازی و مستندسازی واقع‌گرای هنرمندانی این مسیر هستند. مستند واقع‌گرای هنرمندتری را با خود دارد که فهم آن بدون تحلیل آنها ممکن نیست. واقع‌گرای از زمان ظهور خود وظیفه واکنش‌های معنایی و قضیت بسط یافته و ابر دوش خود نهاده است. همان وظیفه در عین حال، تکلیفی سیاسی است.

مستندسازی به ما در بازاندیشی در مسأله نظریه (مسیحی) که اشکال بستنی هنر همچون تئاتر و نقاشی را در رنج انباشته است (این بازاندیشی با بحث‌های لوکاج و پرشت آغاز شد)، پاری، رسیده و موضوع اسباب را به سماتیک دیگر منتقل می‌کند. اسباب - آن چنان که برشت با قطعیت اثبات کرده است - هیچ از ناپایی یا فزاید ساده فزاید گراییک از واقعیت، نادر است. اسباب می‌تواند بر ساختار کله حتی در فیلم‌های مستندی که به نحوی کلا و فانارقه تولید شدند «فرج ماده و محتوایی که آزاد از سازمان یافتگی باشد وجود ندارد». اسباب و کیفیت‌های کل و واقع‌گرا همواره ساختاری هوری است. این توجه به مایه‌ای می‌رسد تا واقعیت را از تفاسیر سوززکتیو انتقاد گرا (تفاسیری که برآمده از وجدانی ناراست هستند) را مایه‌ایم.

### در جستجوی امر نوعی (تیبیکال)

رنالسم، آنگاه به هدف خود دست می‌یابد که نه امور انضمامی و مشخص (امری) که در امر اصلی هنر معاصر که در آن سیاست‌های مربوط به هویت و تشخیص در امتثال هنری خصلتی هم‌زیست دارد) بلکه امر نوعی را به نمایش بگذارد. این جمله مشهور انگلس را به یاد بیاوریم که رسالت اصلی واقع‌گرای «پار تولید راستین خصیصه‌های نوعی در شرایطی نوعی است». این رویکرد نوع گرایه ما اجازه می‌دهد تا به مسائل چالش برانگیز جامعه معاصر به عنوان نظامی یکسره معلوم از تناقض و محتاج تعبیر و پندایشیم و به آنها تجسم بخشیم. این پرداختن به واقعیت، خاناتا امری، کار توگراییک بوده و باید فنی‌شد. به طبقه متوسط جمله در مورد تفاوت بر خلاف نامل در بزرگ همانندی موجود در وضعیت‌های فئسلس، محرومیت و مغایرت را برمی‌گزیند.

### مسأله فرم

واقع‌گرای سنتی، به واسطه محتوایش تشخیص می‌یابد. امروزه مشکل مسورت و فرم نه با هنر نمایی‌های ساده‌پند (مانند مسأله راه‌ها بود) واگذار می‌کنیم. بلکه با ساخت فیلم از طریق اسباب متفاوت حل شده است. این ساختار را می‌توان بر پژوهشی دقیق در باره آن وضعیت که امکان طرح دعوی نوعیت یا کایت برای وحدت تاریخی‌اش وجود داشته‌باشد استوار ساخت.

سرورزه فهرست کردن جنبه‌های صوری

فیلمی به راستی سیاسی با هر شیوار است. تنها می‌توان با نفی، زبان مسلط هنر و فیلم تجاری این ویژگی‌ها را مشخص ساخت. این زبان مبتنی است بر زیبایی‌شناسی احساسی، انوا و لذت این زبان گسستگی و مونتاژ و کلاست زبانی که بافت‌های صوتی بیننده را به بیان می‌کند. مایه‌خوبی به کار کرد پروپاگاندی این اثرها و نقدی می‌کوشیم. تلاشی که همواره در قرن بیستم نیست (برای آنها با استیم).

کمیته گرامسکی علیه ست، بومن این دسته از فیلم‌ها به دلیل بودجه کم آنها نیست بلکه از آن جهت است که در بر طرف‌ده نوعی تقابل هستند. زبان فیلم سیاسی این دوران، زبانی است که به نحوی آگاهانه نوعی ریاضت‌کشی صوری را اختیار کرده است. ما با دیگر تر جیب مشهور گذار برای داشتن بودجه‌ای ۱۰ دلاری را به یاد می‌آوریم. اما این امر بدین معنا نیست که این قبیل فیلم‌ها معنی در گریزی باشند. بلکه واحسانی به بندگی شوند. آنها به معنای نقیصه جدی، بسیاری از آن‌ها این دوره هستند. سنت سینمای سیاسی مجموعه کلافی از ابزارهای اعمال فشارهای ایدئولوژیک زبانی‌شناسی را فراهم آورده است. فرایند فیلمسازی به نحوی سیاسی «به ساختار ترکیبی چند لایه متجز می‌شود که تغییرات حسی تحلیل‌های پنداره معنایی را با هم تلفیق می‌کند. به نحوی پارادوکسیکال، ما باید نحوه تقرب به قلب تماشاگر را بدون آنکه او را مد رگرم کرده باشد، به یاموزیم.

### آموزش و یادگیری

این عقیده‌های رایج است که فیلم‌های سیاسی دوران مایه‌فیلم‌های هستند که به آموزش می‌دهند. آیا این سخن درست است؟ چه کسی مخاطب این آموزش قرار می‌گیرد؟ فیلمسازی به نحوی سیاسی به معنای آن است که کسانی را که پیش از این همواره سیاسی و آنچه به کرده و به راه‌هایی برای پیشرفت آن بیشتر نظر دارند، مخاطب قرار دهد. وظیفه و راستین فیلم‌های سیاسی به واسطه مستندسازی و تیبیک نیست. این وظیفه را می‌توانیم به زور ناهم‌اجتماعی واگذار کنیم. اگر تاکنون عرض می‌کنیم چنین فیلم‌هایی در رساله‌های انبوه هستند. می‌توانیم راه‌هایی را برای ورود آنها به ساخت فرهنگ باز کنیم. اما نباید زور ناهم‌اجتماعی را که در گذشته‌ها به نظر من مهم‌ترین است. سیاسی نقش دیگری را ایفا می‌کند و آن نشان دادن پیچیدگی حقیقی سوززه سیاسی است. هر روج غریزه سیاسی «بدین معناست که تمام مشکلات و دلچهای سیاسی شدن را آشکار کنیم. این سخن به معنای آن نیست که با خود کنیم همه چیز ساده است و می‌توان برای هر پرسشی پاسخی به دست داد. این وضعیت را به دل‌خواب و مراکز تجاری می‌بیاوریم. روش حرفی‌های آموزش‌دهنده برشته بل دیگر اهمیت خود را از ما می‌یابد. این شیوه ما را به نفی استراتژی‌های سلسله‌مراتبی و دست‌کاری کننبر سانه‌های فراموش می‌دهد. هر هنر لفظی می‌کوشد کش‌های جمعی و مشرکتی را در فیلمسازی وارد کنیم و در نتیجه روش‌های جدیدی را برای خروج از غیاب منسوخ شده حیات سیاسی جست‌وجو کنیم.

فیلمسازی به نحوی سیاسی هم‌معنای ساخت فیلم‌های حرفه‌آموزشی نیست، بلکه به این معناست که خود فرزند یادگیری را به ما نشان بدهد.

توجه، سید معجد کمالی

www.translate.ricpcp.net

روزنامه